

بهمن سمندری



ترجمه ی پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به عموم محافل روحانی ملی، مورخ 8 آپریل 1992:

یاران عزیز،

با قلبی آکنده از حزن و اسف شدید، خبر شهادت جناب بهمن سمندری، که در تاریخ بیست و هفتم اسفند ماه 1370 (هیجدهم مارچ 1992) در زندان اوین طهران وقوع یافته، دریافت گردید. مشارالیه از افراد یکی از خاندان های ممتاز بهائی و در جامعه ی یاران ایران به بذل مساعی جمیله مألوف بود. مقامات قضائی و رؤسای زندان هیچ دلیل یا اتهامی برای اعدام ایشان ذکر نکرده اند و حتی از افشای محلّ دفن نیز خودداری نموده اند.

این فاجعه ی غیرمنتظره از آن جهت که به کلی در پرده ی استتار پنهان داشته شده، بیشتر موجب تأسف و تأثر است. درباره ی این واقعه هیچ خبر قبلی به خانواده نداده و وقوع آن را دو هفته مخفی نگه داشته بودند و بعداً نیز آن را اعلان نکرده اند. اگر چه خانم سمندری پس از توقیف جناب سمندری در بیست و ششم اسفند ماه چندین بار برای ملاقات با وی مراجعه کرده بودند، اما متصدیان زندان اجازه ی ملاقات نداده و پیشنهاد نموده بودند که روز شانزدهم فروردین مجدداً مراجعه نمایند. در روز مزبور هنگامی که خانم سمندری به زندان مراجعه نمودند، با ارائه ی وصیتنامه ی جناب سمندری که در تاریخ بیست و هفتم اسفند ماه نوشته شده بود، ایشان را از اعدام همسر مطلع ساختند. ورقه ی اجازه ی دفن صادر نشده و فقط در اثر جستجوی خانواده ی سمندری در اداره ی متوفیات طهران به آنها پاسخ داده شده است که نام بهمن سمندری در دفاتر متوفیات ثبت گردیده است.

برای اجرای چنین عملی هیچ اتهام یا محکومیت رسمی ابلاغ نشده بود. در اثر اصرار اعضای خانواده ی سمندری که جویای علت اعدام بوده اند، به طور ضمنی اشاره شد که اعدام جناب سمندری مربوط به توقیف ایشان در چهار سال قبل بوده که با چهار بهائی دیگر به علت داشتن جلسه ی ملاقاتی با آنان در منزلشان دستگیر شده بودند. اگر چه در آن تاریخ، یعنی بیست و نهم مهر ماه 1366 (بیست و یکم اکتبر 1987) جناب سمندری به علت عضویت در جامعه ی بهائی تحت تعقیب قرار گرفته بودند، ولیکن بعداً در روز بیست و هفتم آذر ماه همان سال پس از آن که قباله ی منزل ایشان به مقامات رسمی منتقل شد و مبلغ هنگفتی نیز بابت وجه الضمان پرداخت گردید، همراه چهار نفر مزبور از زندان آزاد شدند.

شرایط زمانی و ناگهانی بودن این واقعه و مراتب تزویر و دورویی مقامات مربوطه نیز مایه ی حیرت و شگفتی است. مقامات مربوطه روز بیست و ششم اسفند ماه جناب سمندری را برای دریافت سندی احضار نموده و روز بیست و هفتم اسفند ماه 1370 یعنی در روز تحریر وصیتنامه ای که متصدیان زندان اوین به خانم سمندری داده اند، مشارالیه را اعدام کرده و روز بیست و نهم اسفند ماه نیز جسد ایشان را دفن کرده اند. این حوادث بلافاصله قبل از آغاز تعطیلات سال نوی ایرانیان روی داده که موقع بسیار نامناسبی برای تحقیقات و کسب اطلاعات و گرفتن تماس با متصدیان امور است.

این اقدام شنیع سبب آشفتگی و هیجان جامعه ی بین المللی گشته، چه سه سال و نیم پس از قطع شدن اعدام بهائیان مجدداً چنین عمل وحشیانه ای بر علیه جامعه ی بی گناه و مظلوم یاران در ایران انجام می گیرد آنچه که دولت ایران کراراً تأیید و تأکید نموده است که بهائیان به خاطر عقاید دینی خود مورد تضییقات قرار نمی گیرند عملاً نقض می گردد.

اطلاعات بیشتری که در این باره کسب گردد، متعاقباً به استحضار یاران خواهد رسید. فعلاً تقاضا می شود که مقامات مربوطه ی دولتی و مراجع خبری را از این حادثه مطلع سازید و به جمیع وسائل مقتضی برای ابراز اعتراض رسمی به نحوی شدید و متین اقدام نمایید.

تقاضا می شود این اطلاعیه را به استحضار عموم یاران نیز برسانید.

(بیت العدل اعظم الهی)

نقل از امریکن بهائی، آپریل 1992.

پروازها و یادگارها، صفحه 214، تألیف ماه مهر گلستانه.

[www.Vaselan.org]